

ارزیابی عوامل اقتصادی، سیاسی و مذهبی در توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار با تکیه بر شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود*

محمد ابراهیم زارعی^۱
یداله حیدری باباکمال^۲

چکیده: الگوی فضایی شهرهای اسلامی بازتابی از شرایط اقلیمی - طبیعی، مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی جامعه است؛ از این رو در هر دوره از تاریخ شهرسازی اسلامی، ظهور شکل خاصی از شهر با مناسبات اجتماعی و اقتصادی مسلط آن دوران هماهنگی می‌یابد. اوج توسعه و رونق شهر کرمانشاه در دوره قاجار با دوران حکومت محمدعلی میرزای دولتشاه آغاز می‌شود و فرزندش عمادالدوله آن را تکمیل می‌کند. به جهت حمایت شاهزادگان قاجاری یاد شده، شهر کرمانشاه به بزرگ‌ترین شهر منطقه غرب ایران تبدیل می‌شود. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد تا با تکیه بر اسناد دست اول تاریخی و شهرسازی عوامل مهم اقتصادی، سیاسی و مذهبی را در توسعه شهر کرمانشاه در دوره قاجار بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساختار منظم بازار، قرارگیری ارگ حکومتی، مسجد جامع و میدان اصلی شهر در کنار یکدیگر و در مجاورت محله‌های مرتبط با آنها، عناصر اصلی ساختار شهر کرمانشاه را در دوره قاجار تشکیل می‌دهند. این عناصر در داخل حصار مرتفع محصور بودند. در این میان اهمیت حمایت گسترده شاهزادگان قاجاری از امور تجاری و به دنبال آن توسعه بازار و گمرک به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه ساختار شهر، در مقایسه با عوامل دیگر بسیار چشمگیرتر بوده است. همچنین وجود مساجد محله‌ای متعدد، تکایا و راه زیارتی عتبات عالیات و وجود رودخانه آبشوران، ارتفاعات در شمال و جنوب و دشت‌های وسیع در شرق و غرب نیز در شکل‌دهی مراکز محلات و استحکام ارتباط آنها با بازار و ارگ حکومتی مؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: شهر قدیم کرمانشاه، رونق اقتصادی - سیاسی و مذهبی، اسناد

تاریخی، دوره قاجار

* این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده دوم، به راهنمایی نگارنده اول و مشاوره خانم دکتر هایده لاله با عنوان «تغییر و تحولات بافت تاریخی شهر کرمانشاه در دوره قاجار بر اساس متون تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی» می‌باشد که هم‌اکنون در

محل گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا در دست انجام است

۱ دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران Mohamadzarei@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران yadolah.heydari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۰۶ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۲۵

The Evaluation of the Economic, Political and Religious Factors in the Development of Kermanshah in Qajar Era Based on Historical and Archeological Evidence

Mohammad Ebrahim Zarei¹
Yadollah heydari Baba Kamal²

Abstract: Political, religious and economic factors play an important role in the development and creation of various species of architecture and urban elements in a certain time. Development and prosperity of the city of Kermanshah as an important city for central government in the Qajar era began with the reign of *Mohammad Ali Mirza Dolatshah* and completed by his son *Emad al Doleh*. According to the writings of travelers and historians in this period, prosperity of Kermanshah is the result of appropriate measures taken by these Qajarian princes. This issue indicates the importance of the subject, and since so far there has been no comprehensive study on the development of Kermanshah during the Qajar era, this research intends to study economic, political and religious factors in this context. The results show that locating the organized structure of the *Bazaar*, the governmental citadel, *Jameh Mosque* as well as the main square of the city beside each other, and in association with the adjacent neighborhoods, formed the main elements of the city of Kermanshah in Qajar era. In the meantime, the role of the *Bazaar* and customs office as the most important factor in the development of the city is so essential in comparison to other factors. In addition to the aforementioned political and economic factors, mosques, *Takaya* and the road for holy shrines had an important role in forming neighborhoods and strengthening their relationships with the *Bazaar* and governmental citadel. Other factors such as *Abshooran River*, mountains in north and south of the city and vast plains in east and west, have been effective in the development of the city of Kermanshah in Qajar era.

Keywords: Kermanshah, Economic, political and religious prosperity, Historical documents, Qajar era.

-
- 1 Associate professor of archeology of Archaeology Faculty of Arts and Architecture, Bu-Ali Sina University(Hamedan) mohamadezare@gmail.com
 - 2 PHD Student Archaeology Department of Archaeology Faculty of Arts and Architecture Bu-Ali Sina University(Hamedan) yadolah.heydari@gmail.com

مقدمه

شهر کرمانشاه دارای پیشینه تاریخی طولانی است و اهمیت فراوان آن از منظر تغییر و تحولات اجتماعی از قرون پیش از اسلام همواره مورد توجه بوده است. بررسی توسعه بافت شهری کرمانشاه تحت تأثیر شرایط تاریخی و جغرافیایی در دوره قاجار و الگوی مناسب برآمده از بطن آن ضرورتی است که باید در مطالعه بافت شهری و آثار ارزشمند تاریخی آن مورد توجه قرار گیرد. بناهای موجود در بافت قدیم کرمانشاه بیشتر از اواخر دوره زند تا دوره پهلوی را دربر می‌گیرد؛ با این حال بیشتر آثار بافت قدیم شهر کرمانشاه را ارگ حکومتی و خانه‌های اعیان، بناهای مذهبی اعم از تکایا و مساجد و بازار بزرگ در دوره قاجار تشکیل می‌دهد. توسعه عمده و اهمیت شهر کرمانشاه در دوره قاجار با حکومت محمدعلی میرزای دولتشاه فرزند ارشد فتحعلی‌شاه و عمادالدوله فرزند دولتشاه آغاز می‌شود که هر یک دست به ایجاد بناهای متعددی در شهر می‌زنند. نقش شاهزادگان یاد شده در شکل‌گیری ساختارهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی شهر کرمانشاه در دوره قاجار بسیار مؤثر بوده و یکی از ضرورت‌های این پژوهش شناسایی قدرت هر یک از شاهزادگان مزبور در توسعه بافت قدیم و ایجاد بناهای متعدد توسط آنان بوده است. از طرفی شرایط آب و هوایی مساعد، حاصل‌خیزی خاک منطقه را در پی داشت و یکی از عوامل رشد و توسعه شهر بوده، به طوری که رودخانه دائمی آبشوران منجر به زراعت در شهر و خودکفایی در تولید میوه و سبزی می‌شد. علاوه بر آن، شهر کرمانشاه در این دوره به علت موقعیت ارتباطی واقع بر سر راه تهران به بغداد (راه عتبات عالیات) و نیز مرکز تجاری منطقه‌ای وسیع در غرب ایران از اهمیت ویژه‌ای بهره‌مند شد؛ شرایط فوق منجر به ایجاد ساختارهای شهری متعددی در شهر کرمانشاه شده است. اهمیت شهر کرمانشاه در دوره اسلامی بر خلاف دوره‌های پیش از اسلام مطالعه نشده است، به طوری که ضرورت پژوهشی منسجم در خصوص توسعه و رونق شهر در دوره قاجار و عوامل مؤثر بر آن منطقی به نظر می‌رسد. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر ارزیابی عوامل مؤثر بر رونق و توسعه ساختار فضایی شهر کرمانشاه در دوره قاجار با تکیه بر مدارک دست‌اول تاریخی و باستان‌شناسی است. در خصوص هدف پژوهش سؤالات مهمی قابل طرح‌اند: (۱) عوامل مهم اقتصادی، سیاسی و مذهبی در توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار کدام‌اند؟ و (۲) الگوی کالبدی - ساختاری بافت قدیم شهر کرمانشاه متأثر از عوامل یاد شده چگونه شکل گرفته است؟

فرضیات مهم پژوهش عبارت‌اند از: (۱) به نظر می‌رسد وجود عواملی همچون قرارگیری گمرک غرب ایران در شهر کرمانشاه، توسعه مسیر عتبات عالیات و بازار، حمایت شاهزادگان قاجاری و شرایط مساعد طبیعی در رونق شهر کرمانشاه مؤثر بوده‌اند؛ (۲) طبق مدارک تاریخی موجود بازار، مسجد جامع و مساجد متعدد محله‌ای، ارگ حکومتی و میدان، ارکان اساسی ساختار شهری کرمانشاه در دوره قاجار بوده‌اند؛ حصار، دروازه‌ها، محله‌ها، تکایا و حسینیه‌ها از دیگر ساختارهای شهری مهم در این دوره‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی انجام شده است؛ برای این منظور منابع تحقیق که در زمره منابع مکتوب هستند با شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. داده‌های گردآوری شامل اسناد دست‌اول تاریخی، بررسی پرونده‌ها، گزارش‌ها و سوابق بایگانی، آثار مکتوب پژوهشگرانی که جمع‌بندی و توصیفی از این متون داشته‌اند، تهیه عکس‌های قدیمی و یافته‌های به‌دست آمده از بررسی‌های میدانی صورت گرفته در بافت قدیم کرمانشاه در دوره قاجار است. پس از آن تحلیل داده‌ها و انسجام مفهومی آنها برای تدوین نظرات جدید انجام شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات بسیاری درباره نحوه شکل‌گیری شهرهای ایران پس از اسلام توسط پژوهشگران داخلی و خارجی به‌عمل آمده که بیشتر آنها در خصوص پایتخت‌های ایران در ادوار مختلف و یا شهرهای مهم بوده است. با این حال فقدان پژوهش‌های منسجم در مورد شهرسازی کرمانشاه در دوره اسلامی به‌وضوح مشهود است؛ عموم مطالعات انجام شده در این زمینه در قالب پروژه‌های احیاء و ساماندهی بوده و به ارائه راهکارها و پیشنهادها پراکنده‌ای درباره ساماندهی بافت تاریخی یا بخشی از آن محدود شده است. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش احسان زهره‌وندی (۱۳۸۶) با عنوان «باززنده‌سازی بافت شهری کرمانشاه» اشاره کرد که در آن علل فرسایش بافت قدیم کرمانشاه در دوره پهلوی بررسی شده و از راهبردهای نوسازی، بهسازی و بازسازی جهت مرمت بافت تاریخی کرمانشاه با توجه به حفظ هویت آن در این دوره استفاده شده است. رضا معبدی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «طراحی ساختار اصلی بافت قدیم شهر کرمانشاه (با تأکید بر محور خیابان مدرس)» به طراحی کالبدی و

باززنده‌سازی بخش مهمی از ساختار اصلی بافت قدیم کرمانشاه در دوره پهلوی یعنی خیابان مدرس پرداخته است. منصور نجفی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی فضاهای شهری سنتی در شهرسازی امروزی (نمونه موردی خیابان مدرس کرمانشاه)» به بررسی تاریخچه ویژگی‌های شهرسازی و معماری در مکتب اصفهان و سبک تهران و الگوهای شهرسازی امروزی پرداخته و با این رویکرد سعی کرده است تا معیارهایی را جهت بازآفرینی خیابان مدرس در دوره پهلوی ارائه دهد. کیومرث ایراندوست (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)» پس از ذکر خصوصیات بازار در شهرهای اسلامی به تحولات بازار کرمانشاه در یک سده اخیر پرداخته و چند پاره شدن بازار قدیم را توسط خیابان‌کشی‌های مدرن بررسی کرده است. پژوهش‌های دیگری نیز در خصوص پیشینه تاریخی، فرهنگ و آداب رسوم مردم کرمانشاه نگاشته شده‌اند که عموماً مربوط به ادوار پیش از ورود اسلام به ایران و سده‌های قبل از دوره قاجار هستند؛ اما تاکنون پژوهش جامعی در مورد زمینه و عوامل مهم شکل‌گیری و توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار بر مبنای بررسی‌های تاریخی و اسناد دست‌اول نگاشته نشده است.

ساختار شهرهای ایران در دوره قاجار

در ایران دوره قاجار شهر به‌عنوان مرکز اداری - حکومتی و بازرگانی بیش از آنکه در ارتباط اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی با روستاها و مناطق تابعه خود باشد، متأثر از ورود گردش سرمایه‌های خارجی بوده است. بدین ترتیب در دوره قاجار آن دسته از شهرها رونق یافتند که از دیرباز نقش بازرگانی داشتند و درهای خود را به روی جریان‌های تجاری و مبادلات بین‌المللی گشوده بودند.^۱ در این دوره بسیاری از مراکز ایالات به علت آنکه محل اقامت بیگ‌ریگی بودند، از رشد درخوری بهره‌مند شدند. رسم توزیع مقام حکومت ایالات به شاهزادگان باعث رشد اقتصادی و اجتماعی مرکز ایالات شد؛ چون هر شاهزاده، دربار کوچک خود را داشت که مینیاتوری از دربار تهران بود. همچنین ایجاد بناهای عام‌المنفعه در زمان فتحعلی‌شاه در تهران و سایر شهرهای ایران سرمشقی برای فرزندان از جمله محمدعلی میرزای دولتشاه در شهر کرمانشاه و عباس میرزا در تبریز شد.

۱ محسن حبیبی (۱۳۷۷)، *از شار تا شهر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۲۱.

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، ویژگی‌های ساختاری شهرهای ایران تا دوره پهلوی در موارد زیر خلاصه می‌شود؛ شهرنشینی بسته به دلیل وجود برج و باروها، جدایی‌گزینی عملکردی یعنی ارگ، بازار، شارستان و میادین، غیرمنظم بودن شبکه‌های گذرگاهی، جدایی‌گزینی‌های دینی، مذهبی، و قومی مانند یهودی‌ها، ارامنه، زردشتی‌ها و یا محله‌های مسکونی اقوام مختلف و ارتباط مستقیم بازار با دروازه‌های ورودی شهرها. با این حال در اصول ساختاری شهرهای قاجار، قرارگیری بازار در مرکز هندسی شهر موجب می‌شد تا راه‌ها با انشعاب و نیز حرکت به سمت آن به حالتی شعاعی شکل توسعه یابند. از این رو نقشه تقسیم‌بندی محلات، بیانگر نوعی سازماندهی مرکز‌گرای آنها با میل به بازار و مرکز است. در این نظام مسیرهای ارتباطی اصلی با عبور از دروازه‌های بارو یا در داخل خود بارو، نقاط با اهمیت از جمله مراکز محلات را به یکدیگر متصل می‌کردند. این راه‌ها جزو معابر اصلی محلات بودند و در امتداد آنها کاربری‌های عمومی از جمله مساجد محله‌ای، حمام‌ها، گورستان‌ها، کاروانسراها و فضاهای خرد تجاری (دکاکین) به وجود می‌آمد. نکته جالب توجه آن است که نظام این دسته از راه‌ها به شدت تحت تأثیر موقعیت بازار و نیز شکل بارو قرار داشت. در این دوره از سویی مجموعه بازار و مسجد جامع موجب قطبی شدن نظام ساختاری شهر شده بود و از طرف دیگر وجه ارتباطی دروازه‌ها مهمترین نقش و کارکرد آنها به شمار می‌رفت، به طوری که وجود دروازه و برج و بارو به دور شهر در این دوره باعث می‌شد مال‌التجاره‌ای که از طریق راه اصلی به حومه‌های رو به رشد شهری آورده شده، به خوبی مورد نظارت قرار گیرد و بر آن تعرفه تعیین شود و تعرفه‌ها بر اساس اندازه و نوع کالاها تعیین گردند.^۱ این عوارض گمرکی، در کنار دروازه‌ها از بازرگانان و صاحبان کالاهای تجاری دریافت می‌شد، زیرا دروازه‌ها تنها گذرگاه‌هایی بودند که کالا از آنها وارد یا خارج می‌شد و مناسب‌ترین محل کنترل و دریافت مالیات و عوارض گمرکی بودند.^۲ در این دوره سیمای شهر دارای نوعی پیوستگی مناسب با فضاهای پیش از آن بود که هرگز در چشم‌انداز آن گسستگی دیده نمی‌شد؛ به عبارتی سیمای شهر دوره قاجار برخلاف شهر امروز، متقارن، موزون و هویت‌ساز بوده است.

۱ دگرنی، جان. د. (۱۳۷۵)، «دگرگونی تهران در اواخر قرن نوزدهم»، مجله معماری و شهرسازی، ترجمه کامران صفامنش، ش ۶ و ۷، ص ۱۲۱.

۲ آریتا رجبی (۱۳۸۵)، ریخت‌شناسی بازار، تهران: آگاه، صص ۴۸-۵۲.

شهرهای ایران در دوره قاجار دارای بافتی سنتی با مقیاس انسانی و محصور در حصاری مرتفع بودند. ارگ حکومتی نیز دارای حصاری مرتفع‌تر از حصار شهر بود که حاکمان را از رعایا جدا می‌کرد. معبر شهرها عموماً باریک بودند و در یک مسیر غیرمستقیم امتداد داشتند. بازار در این ساختار علاوه بر اینکه ستون فقرات و نبض اقتصادی شهر را تشکیل می‌داد، در ارتباط تنگاتنگ با امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود. از دیگر خصوصیات شهرهای این دوره محله‌ها هستند؛ هر محله دارای یک دربان و یک دروازه بود. مراکز محلات از طریق گذرها به یکدیگر متصل بودند و ارتباط آنها را با مرکز شهر و دروازه‌های خروجی برقرار می‌کردند. در حقیقت می‌توان گفت تحولات ساختار شهرهای دوره قاجار، تحولی عمده در مفاهیم تاریخی بوده که نه بر مبنای دگرگونی تاریخی درونی، بلکه بر مبنای تغییرات شرایط بیرونی رخ داده است.

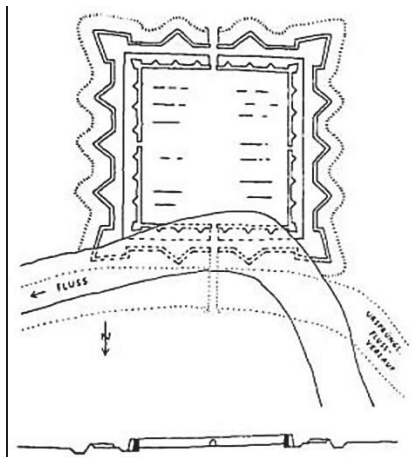
عوامل اقتصادی و بازرگانی

شهر کرمانشاه چون در نزدیکی دروازه‌های زاگرس^۱ و در ارتفاع کم واقع شده تنها راه عبور به داخل رشته کوه کردستان شمرده می‌شود و مسیری آسان‌تر از این مسیر برای ورود به فلات ایران وجود ندارد. شهر قدیمی کرمانشاه که در منابع تاریخی با عنوان «قرمیسین» یا «قرماسین» از آن یاد شده^۲ بارها تغییر مکان داده است.^۳ در دوره افشاریه و زندیه این شهر در کنار رودخانه قره‌سو بود (تصویر ۱ و طرح ۱)؛ اما حکام زند به علت خصومتی که با سلسله صفوی و دست‌نشانندگان آنها

۱ محمدعلی سلطانی (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، تهران: سپهر، ص ۷.
 ۲ ابوالقاسم عبیداله بن عبدالله خراسانی ابن خردادبه (۱۳۷۰)، *مسالك والممالك*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: نشر نو، صص ۱۸، ۳۳؛ ابوالقاسم ابراهیم بن محمد اصطخری (۱۳۷۳)، *مسالك الممالك*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۱۶۳؛ ابوالقاسم محمد بن حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۰۳؛ ابوالفداء (۱۳۴۹)، *تقسیم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۴۷۸-۴۷۹؛ ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق ابن فقیه همدانی (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان*، ترجمه ج. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۶؛ احمد بن عمر ابن رسته (۱۳۶۵)، *اعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر، ص ۱۹۵؛ حمداله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به سعی و اهتمام گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ ابوعبداله محمد بن احمد مقدسی (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ص ۵۸۷؛ ابوعبداله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمن شرفکنندی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۹۸.

۳ اوژن اوین (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷م؛ ایران و بین‌النهرین*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص ۱۳۵.
 Clark, J and Clark, B., (1969), *Kermanshah: A Provincial City in Iran*, University of Durham DEDT, Of Geography Research paper series 10, Durham, p.34.

نظیر خاندان زنگنه داشتند، شهر را نابود کردند. سکنه نیز کرمانشاه را ترک نمودند و به اطراف و اکناف گریختند. گروهی به سه دهکده فیض آباد، چنانی و برزهدماغ در مجاورت رودخانه آبشوران روی آوردند که قدیمی‌ترین محلات شهر را در دوره قاجار تشکیل می‌دهند. نام سه دهکده مذکور نیز بر محله‌های شهر همچنان باقی ماند و بعدها محله علافخانه و توپخانه نیز به آن‌ها اضافه شد.^۱ با توجه به نقشه شهر کرمانشاه که از روی عکس هوایی سال ۱۹۱۹ م. تهیه شده، علاوه بر محله‌های فوق، حصار، ارگ حکومتی و دروازه‌ها کاملاً معلوم و قلاع هم نشانه گذاری شده است. این نقشه و مستندات تاریخی بیانگر آن‌اند که شهر از نظر دفاعی و نظامی (برای کل کشور) بسیار مهم بوده است (نقشه ۱).



طرح ۱. طرح قلعه کهنه از روی عکس هوای اشمیت.

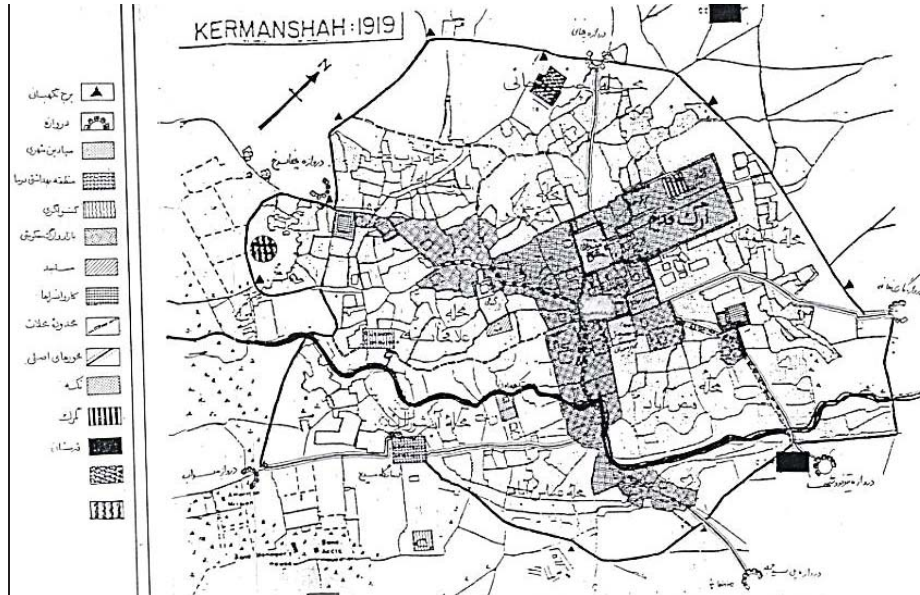


تصویر ۱. عکس هوایی شهر کرمانشاه کهنه در کنار رودخانه قره‌سو؛ گرفته شده توسط اشمیت در سال ۱۹۳۵ م/۱۳۱۴ ه.ش.

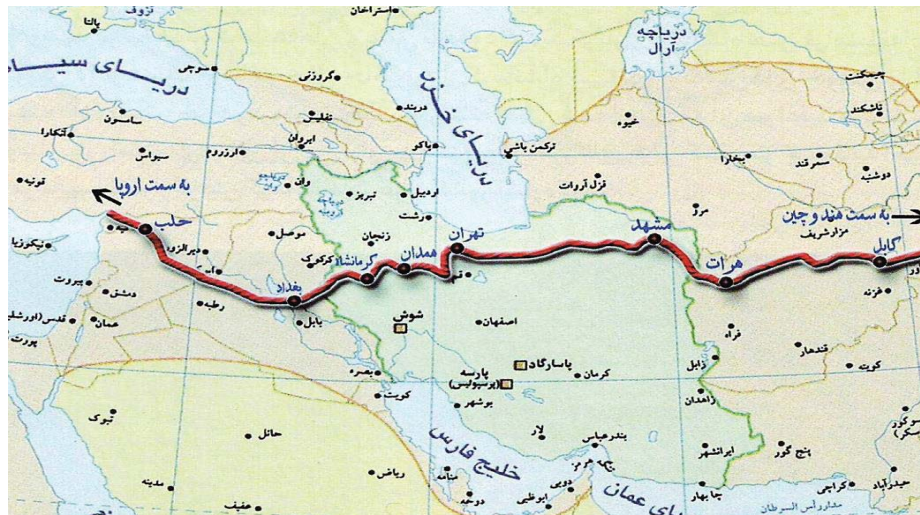
کرمانشاه از گذشته‌های دور ناحیه تجارتمی مهمی در مسیر شبکه بازرگانی زمینی به‌شمار می‌آمد که کالاهای تجارتمی چین و آسیای جنوب شرقی از طریق آن به مقصد بازارهای خاورمیانه و اروپا صادر می‌شد (نقشه ۲). شیوه تولید اقتصادی کرمانشاه در قرن ۱۳ ق. همچون دیگر شهرهای ایران، پیشاسرمایه‌داری و مبتنی بر نظام ارباب - رعیتی بوده است؛ لذا شهرها مکان تجارت داخلی و دربردارنده نطفه تجارت خارجی بودند، در حالی که روستاها همچنان به شیوه‌های کهن متکی بودند.^۲

۱ سیامک خدیوی (۱۳۷۹)، «معرفی مختصر بافت تاریخی کرمانشاه»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، ارگ بم، (کرمان): سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ص ۵۵۸.

۲ فرخ حسامیان (۱۳۷۷)، شهرنشینی مرحله گذار: در شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه، صص ۳۸-۳۹.



نقشه ۱. نقشه شهر کرمانشاه در سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش. این نقشه یکی از نخستین نقشه‌های شهر است که از تصویر هوایی تهیه شده است.



نقشه ۲. مسیر جاده ابریشم و گذر آن از شهر کرمانشاه برگرفته از آرشیو سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه

در این دوره هر شهر بزرگ با مناطق روستایی اطراف آن یک «اقتصاد محلی» را شکل می‌دادند. گاهی اتفاق می‌افتاد که شهرهای مجاور نیز با این حوزه تجاری داد و ستد می‌کردند؛ به عنوان مثال، اوبین^۱ در سال ۱۹۰۷م. حوزه جاذبه تجاری کرمانشاه را بازارهای ایالت خودش، لرستان و قسمتی از همدان و ملایر می‌دانست. همچنین در این دوره کنفدراسیون‌های ایلی زنگنه و کلهر افزون بر انجام مأموریت‌های نظامی، سرحداری و نگهبانی ثغور کشور، تولیدکنندگان توانمند مواد غذایی و گردانندگان چرخ‌های اقتصادی بودند که از حمایت کامل محمدعلی میرزای دولت‌شاه برخوردار بودند.^۲ از طرف دیگر رونق تجارت خارجی در قرن ۱۹م. و شرایط بین‌المللی، شهر کرمانشاه را به یکی از گره‌های تجاری میان ایران و کشور عثمانی تبدیل کرد. درآمد گمرک کرمانشاه از پشتوانه‌های ارزی دولت به شمار می‌رفت و جهت پرداخت دیون دولت بریتانیا اختصاص می‌یافت. افتتاح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹م/۱۲۸۶ق. و رونق کشتیرانی در دجله، توجه تجار انگلیسی را به سوی راه تجاری بصره - بغداد - کرمانشاه معطوف نمود و بر رونق راه بغداد - کرمانشاه افزود.^۳ در کرمانشاه چنین پدیده‌هایی باعث رشد و رونق تجاری منطقه و زندگی مسالمت‌آمیز ثروتمندان و فقرا در کنار هم می‌شد.^۴ در سایه این رونق، ارزش کالاهای صادراتی و وارداتی کرمانشاه در سال ۱۳۲۴ق. ۲۶ میلیون مارک، در سال ۱۳۲۵ق. ۲۹ میلیون مارک و در سال ۱۳۲۶ق. به ۳۴ میلیون مارک رسید و سبب مهاجرت بازرگانان تبریزی، اصفهانی و تجار کلدانی از سنج و بازرگانان یهودی از بغداد به کرمانشاه گردید.^۵ تجار بزرگ این عصر نه تنها از میان قشر ممتاز و قابل اعتماد بازاریان بودند، بلکه بعد از اشرافیت سیاسی و نظامی و روحانیون جایگاه تأثیرگذاری در شهرها داشتند.^۶ البته موقعیت ویژه تجاری شهر کرمانشاه و وجود امنیت و عدالت در دوران حکومت دولت‌شاه در کرمانشاه، در نفوذ و اقتدار تجار غیرکرد بی‌تأثیر نبود.^۷ به عبارتی تجار از یک سو از اهل بازار متمایز بودند و از سوی دیگر در رأس هرم قدرت،

۱ اوژن اوبین (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷م*؛ *ایران و بین‌النهرین*، ص ۳۴۰.

۲ محمد علی سلطانی (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، ص ۳۰۱.

۳ چارلز عیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، صص ۱۱۲، ۱۴۲.

۴ Clark, J and Clark, B., *Kermanshah: A Provicinal City in Iran*, p.134.

۵ هوگو گروته (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر نی، ص ۹۹.

۶ ژولین دوروشسوار (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی، ص ۱۴۹.

۷ هوگو گروته (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ص ۹۶؛ عبدالکریم غیرت (۱۳۳۸)، *کلیات و آثار غیرت کرمانشاهی*، مقدمه و حواشی

محمد سعید غیرت، تهران: فردوسی، صص ۱۸-۲۴.

منزلت و ثروت بازار جای داشتند. نکته جالب توجه آنکه تجار یهودی نیز مانند سنندج نفوذ بسیاری در کرمانشاه یافتند؛ کما اینکه به گزارش مک‌لین در سال ۱۳۲۲ ق. حدود ۸۰٪ تجارت کرمانشاه در دست تجار یهودی بوده است.^۱ در مورد حضور تجار غیرکرد در کرمانشاه نباید وجود عناصر گمرکی عثمانی را نادیده گرفت؛^۲ زیرا گمرک عثمانی در کرمانشاه با انتخاب یک تاجرباشی که نمایندگی بازرگانی عثمانی در کرمانشاه را بر عهده داشت، در صدد افزایش نفوذ اقتصادی اتباع خویش در کرمانشاه بود.

از زمانی که ارتباط با اروپا بازارهای بغداد را توسعه داد، برای تبادل کالا با شهر مزبور، طبیعی‌ترین میدان عرضه و راه صدور کالا مسیر کرمانشاه بود، به نحوی که بعضی اوقات تا بیست هزار حیوان بارکش در عرض یک ماه از چهل کاروانسرای شهر عبور می‌کردند؛^۳ به همین دلیل در دوره قاجار گمرک غرب کشور از همدان به کرمانشاه انتقال یافت. در واقع راه تجارتهای تهران - همدان - کرمانشاه - بغداد یکی از پنج راه اصلی تجارت ایران در عصر قاجار بود.^۴ طول این مسیر ۵۲۰ مایل و زمان انتقال کالا در این راه حدود ۳۵ روز بود.^۵ در مورد کثرت تردد و رونق تجارت این راه در دوره قاجار می‌توان به نگاهشته‌های ناصرالدین‌شاه،^۶ کنت ژولین دوروششوار (۱۸۷۰ م./ ۱۲۸۷ ق.)،^۷ تحصیل‌کرده اقتصاد سیاسی و عضو کاردار سفارتخانه فرانسه، رابینو،^۸ اولیویه،^۹ بلوشر،^{۱۰} هانری بایندر،^{۱۱} ویلیام جکسن،^{۱۲} عبدالعلی ادیب‌الممالک،^{۱۳} فشاهی،^{۱۴} محمد تقی لسان‌الملک سپهر از مورخان دوره قاجار،^{۱۵}

- ۱ چارلز عیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار)*، ص ۹۴.
- ۲ محمد علی فریدالملک (۱۳۵۴)، *خاطرات فرید*، تهران: زوار، ص ۴۶۰.
- ۳ اوژن اوبن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷ م؛ ایران و بین‌النهرین*، صص ۳۳۹-۳۴۰.
- ۴ چریکف (۱۳۷۹)، *سیاحتنامه مسیو چریکف*، ترجمه آیکار مسیحی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۸۷.
- ۵ چارلز عیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار)*، ص ۲۳۹.
- ۶ ناصرالدین‌شاه (۱۳۵۵)، *سفر به کرپلا و نجف*، تهران: سنایی، ص ۲۶۸.
- ۷ ژولین دوروششوار (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، صص ۱۷۵-۱۷۷.
- ۸ باسنت لوئی رابینو (۱۳۹۱)، *گزارشی از بازرگانی و اجتماع شهر و ایالت کرمانشاه در سده نوزدهم*، ترجمه محمدرضا (فریبرز) همزه‌ای، کرمانشاه: دانشگاه رازی، صص ۲۳-۴۰.
- ۹ مسیو اولیویه (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تهران: اطلاعات، ص ۳۴.
- ۱۰ ویبرت بلوشر (۱۳۶۳)، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکلووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ص ۸۲.
- ۱۱ هنری بایندر (۱۳۷۰)، *سفرنامه هنری بایندر*، ترجمه کرامت‌اله افسر، تهران: فرهنگسرا، ص ۴۰۱.
- ۱۲ آبراهام جکسن (۱۳۵۲)، *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی، ص ۲۶۷.
- ۱۳ عبدالعلی ادیب‌الممالک (۱۳۶۴)، *سفرنامه ادیب‌الممالک به عتبات*، تصحیح مسعود گلزاری، تهران: دادجو، ص ۵۸.
- ۱۴ محمد رضا فشاهی (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، تهران: گوتنبرگ، ص ۲۸.
- ۱۵ محمد تقی لسان‌الملک سپهر (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج ۱، تهران: اساطیر، ص ۱۶۹.

و دکتر ویلز^۱ اشاره کرد. این سیاحان و مورخین از فراوانی نعمت و رفاه مردم کرمانشاه به سبب وجود جاده تجارتي - زیارتي عتبات عالیات یاد کرده‌اند. رونق این راه موجب توسعه بازار، محله‌ها و ساختارهای مسکونی شهر کرمانشاه در دوره قاجار شده است. بازار کرمانشاه به عنوان مهمترین عنصر شکل‌دهنده شهر در فضاهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن است که اهداف آن به چهره و اندام کالبدی شهر واقعیت بخشیده است. این بازار دارای اجزاء و عناصر گوناگونی بوده که در مجموع یک کل واحد را تشکیل می‌دهد و به صورت خطی ایفای نقش می‌کرده است (نقشه ۳).



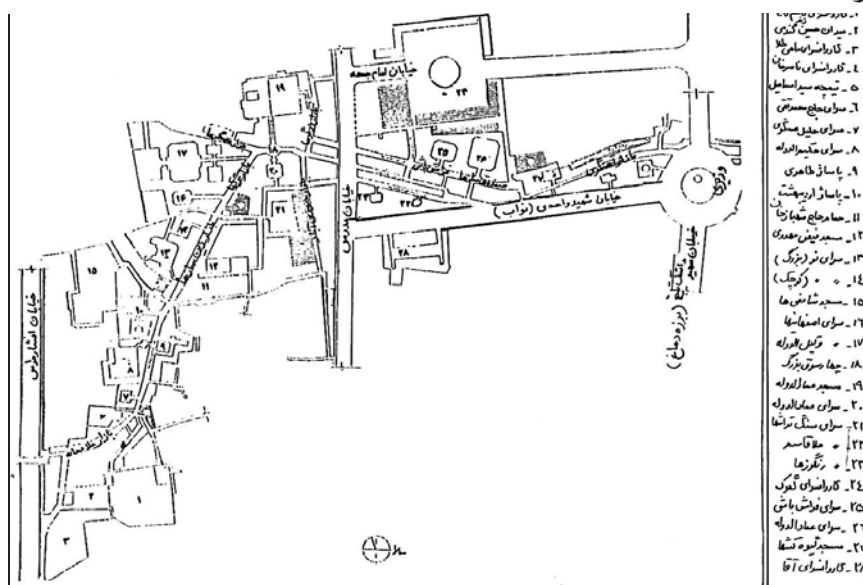
نقشه ۳. محدوده بازار از دروازه پل سید جمعه در شرق تا دروازه چغاسرخ در غرب (بخش اصلی مسیر عتبات عالیات در دوره قاجار از کنار بازار عبور کرده است)

ساخت بازار که در سال ۱۲۲۱ق. و همزمان با حکمرانی محمدعلی میرزای دولتشاه شروع شده است؛ با ایجاد چندین سرا، چهار سوق و مرکزیت بخشیدن به آن، رونق بیشتری یافت و رشد آن در جهت طولی به تکامل رسید.^۲ این بازار که به «تریکه بازار» معروف بوده به صورت اسکلت اصلی شهر از منتهی‌الیه شرق شهر (دروازه پل سید جمعه) به منتهی‌الیه غرب شهر (دروازه چغاسرخ) کشیده شده است (نقشه ۳) و نحوه شکل‌گیری کوجه‌ها،

۱ ویلز (۱۳۶۸)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال، صص ۱۴۷-۱۴۹.

۲ کیومرث ایراندوست و آرمان بهمنی اورامانی (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲، ش ۵، ص ۸.

محلات، کاروانسراهای درون شهری، مساجد محله‌ای و مؤسسات عمده شهری به نحو چشمگیری تحت تأثیر آن بوده است (نقشه ۴). در حقیقت بازار کرمانشاه قسمتی از مسیر کاروانی عتبات عالیات بوده که تجلی کالبدی پیدا کرده و تأثیر عمیقی بر چگونگی و روند شهر داشته است.



نقشه ۴- موقعیت بازار در بافت قدیم کرمانشاه و واحدهای متشکله آن

بازار شهر کرمانشاه از فعال‌ترین مراکز تجاری غرب کشور در دوره قاجار بوده است، به طوری که این مرکز علاوه بر رفع احتیاجات ساکنان شهر، در اکثر موارد نیازهای روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک اطراف که به آن مراجعه می‌کردند را نیز برطرف می‌نموده است. این بازار علاوه بر آنکه به عنوان تنها مرکز عمده‌فروشی شناخته می‌شد تا حدود زیادی نیز به صورت یک مرکز خرده‌فروشی گسترده و وسیع در اختیار افراد شهر قرار می‌گرفت و عده کثیری از ساکنان مناطق مختلف شهری، خصوصاً مناطق مجاور، روزانه برای خرید به آن مراجعه می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت که بازار شهر کرمانشاه علاوه بر تأمین احتیاجات کلی سایر مراکز خرده‌فروشی شهر، به عنوان یک مرکز فعال خرده‌فروشی فعالیت داشت و عمده‌مبادلات و داد و ستدهای بازرگانی در مورد انبوه کالاهای مورد نیاز سکنه در این قسمت صورت می‌گرفت.

یکی از ویژگی‌های مهم بازار کرمانشاه، کاروانسراهای آن است که نقش استراحتگاه کاروان‌های گذری، توزیع محصولات وارداتی و جمع‌آوری و بسته‌بندی کالاهای صادراتی شهر را به عهده داشته است. از این کاروانسراها در حال حاضر تعداد اندکی بر جای مانده است و از آنها عموماً به‌عنوان انباری استفاده می‌شود. دو گونه کاروانسرا در شهر کرمانشاه دوره قاجار قابل ذکراند: (۱) برای زائران و کاروان‌ها؛ این کاروانسراها در همه شهر به خصوص در مسیر بازار پراکنده بودند. (۲) کاروانسراهای بازرگانان؛ این کاروانسراها در بازار واقع بودند و بیشتر بازرگانان شهر در آنها حجره داشتند؛ همانند کاروانسرای وکیل‌الدوله. کاروانسراها در اکثر نقاط بازار پراکنده‌اند و هر بخش بازار دارای کاروانسراهایی مخصوصی بوده که ارتباط مستقیم با مشاغل آن بخش از بازار داشته است. مثلاً در بازار بنکدارها کاروانسرای به نام شترخان وجود داشته که محل بارگیری و انتقال اقلام کشاورزی به وسیله حمل با شترها و دیگر چهارپایان بوده است. نکته دیگر آنکه می‌توان قسمت‌های مختلف بازار را از نظر حجم فعالیت و عملکرد اقتصادی به دو بخش متمایز تفکیک کرد. دسته اول شامل بازار آهنگرها، صندوق‌فروش‌ها، بزازخانه، نان‌برنجی‌فروش‌ها و چهارسوق که واحدهای کاملاً زنده و پُر تحرکی به شمار می‌آمدند و گروه دیگر شامل بازار صحاف‌ها، اصفهانی‌ها، علاف‌خانه و باروت‌فروش‌ها که اهمیت اقتصادی قابل ملاحظه و تحرک چشمگیری نداشتند. علاوه بر بازارهای فوق، وجود ۴۰ کاروانسرای عمده، تیمچه‌ها، مساجد، قهوه‌خانه‌ها، دالان‌های متعدد، چهار سوق‌ها، قیصریه، میدین و گذر چنانی قابل ذکر است (نقشه ۴). با این حال بازار کرمانشاه همانند اغلب بازارهای ایرانی پس از پشت سر گذاشتن دورانی پر رونق به تدریج از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی با رکود مواجه شد.

عوامل سیاسی

در شهرهای اسلامی مرکزیت سیاسی - اداری یکی از مهم‌ترین عملکردهای شهر بود که به لحاظ کالبدی و ساختاری با مرکزیت مذهبی (مسجد جامع و مساجد محله‌ای) و اقتصادی (بازار) ارتباط نزدیک داشت و رونق یا عدم رونق حیات شهری تا حد زیادی به کارکردهای آن مربوط می‌شد.

در زمان فتحعلی‌شاه پس از فتحعلی‌خان بیگلربیگی، سرحدات غرب (کرمانشاهان، لرستان و خوزستان) به فرزند ارشدش محمدعلی میرزای دولتشاه (۱۲۲۱-۱۲۳۷ق.) سپرده شد که در

زمان انتصابش بیش از ۱۹ سال نداشت. او شهر کرمانشاه را کرسی ایالت خود در غرب قرار داد و با درایت و هوشمندی و با استفاده از توانایی‌های اقتصادی و طبیعی و موقعیت مهم سیاسی شهر، دست به عمران و آبادانی آن زد. برای این منظور دولتشاه چند مستشار انگلیسی را برای راهنمایی و مشاوره استخدام کرد که او را در عمران و آبادانی شهر یاری کردند. ساختمان معروف دیوانخانه کرمانشاه که شامل ۱۲ قصر بود، نمونه‌ای از اقدامات عمرانی اوست. در دوره کرمانشاه کنونی بازمانده و صورت استمرار یافته دوران حکومت دولتشاه است. در دوره دولتشاه صنایع و حرف در کرمانشاه احیاء و صنایع نظامی پایه‌گذاری و ترویج شد؛ این امر به‌ویژه زمانی اوج گرفت که دولتشاه دو افسر فرانسوی به نام‌های «کورت»^۱ و «دوو»^۲ را برای نظم دادن به نیروهای نظامی استخدام کرد. از سوی دیگر از زمان دولتشاه مهاجرت از ایران مرکزی به کرمانشاه آغاز گردید و به سبب عدم توجه اهالی بومی یعنی طوایف زنگنه، کلهر و وند به امور دادوستد، کسبه و اهل بازار این شهر جز معدودی از مهاجران سایر شهرها بودند که منجر به شکل‌گیری فرهنگی ویژه برای شهر کرمانشاه شدند.^۳ به عبارتی موقعیت استراتژیک کرمانشاه به دولتشاه کمک می‌کرد تا با تبدیل آن به پایگاه نظامی، به استخدام آموزش نیروی‌های نظامی بپردازد، بر همسایگان گرد خود به ویژه والی اردلان نظارت داشته باشد، ولایت بغداد عثمانی را تهدید کند و در زمان مساعد برای تصاحب تاج و تخت بکوشد. به علاوه این شهر محل امن و پناهگاه خوبی بود که در صورت تهدید یا حمله رقبا می‌توانست برای مدت زیادی مقاومت کند و اطمینان داشته باشد که خانواده، خزانه و زرادخانه‌اش ایمن خواهد بود، به طوری که حاج زین‌العابدین شیروانی^۴ و اوژن اوین^۵ آبادانی و توسعه اقتصادی شهر کرمانشاه در اوایل دوران قاجار را ناشی از شیوه درست حکومت زنگنه و به‌ویژه حکومت محمدعلی میرزای دولتشاه (۱۲۲۱-۱۲۳۷ق.) می‌دانند.

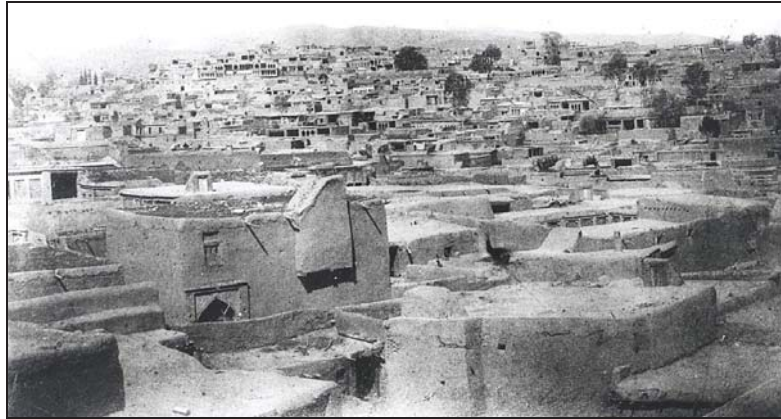
1 Court.

2 Devaux.

۳ محمد علی سلطانی (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، صص ۲۹۰، ۳۰۱، ۳۰۳.

۴ زین‌العابدین شیروانی (۱۳۳۹)، *ریاض‌السیاحه*، به تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران: سعدی، ص ۴۶۲.

۵ اوژن اوین (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷م/ایران و بین‌النهرین*، ص ۳۴۶.



تصویر ۲. دورنمای جبهه غربی شهر کرمانشاه در دوره قاجار

روند گذار از رؤسای ایلات و عشایر به اشرافیت شهرنشین، قبل از به قدرت رسیدن دولت‌شاه در کرمانشاه آغاز شده بود. عبداللطیف شوشتری شرح مبسوطی درباره اشرافیت شهرنشین شده ایالات کرد از جمله الله‌قلی خان زنگنه حاکم وقت کرمانشاه و آقا محمد کلهر ارائه نموده است. انتقال مسالمت‌آمیز حکومت کرمانشاه از خاندان کرد زنگنه به محمدعلی میرزای دولت‌شاه و اعقابش سبب تسریع روند شهرنشین شدن رؤسای ایلات گردید.^۱ در واقع تکوین اشرافیت شهرنشین کرمانشاه از رؤسای ایلات نه تنها تفکر ایلی را به چالش کشید، بلکه زمینه‌های پیدایش روابط انتفاعی دو جانبه میان ایشان و حکام کرمانشاه را فراهم آورد؛ روابطی که در دوران محمدعلی میرزای دولت‌شاه به گسترش امنیت و آبادانی شهر کرمانشاه منجر شد (تصویر ۲).

یکی از ارکان مهم ساختار سیاسی شهر کرمانشاه در دوره قاجار ارگ حکومتی (محل زندگی حاکم) بود. ارگ حکومتی تقریباً مکان جداگانه‌ای را تشکیل می‌داد که میدان «توپخانه» نام داشت (تصویر ۳). عرض میدان ۳۰ و طولش ۷۵ متر بود؛ در وسط این میدان حوضی با درختان چنار قرار داشت و در میانه حوض چند اراده توپ دیده می‌شد. ساختمان حکومتی و سربازخانه یک ضلع میدان را در برمی‌گرفتند (تصاویر ۴ و ۵). ارگ حکومتی دارای برج و بارویی بود که بر سر طاق‌های آن یک فرشته بالدار نقش شده بود. از این برج و بارو برای نگهداری از کاخ و بناهای اطراف آن استفاده می‌شد.^۲ از دیگر عناصر این مجموعه

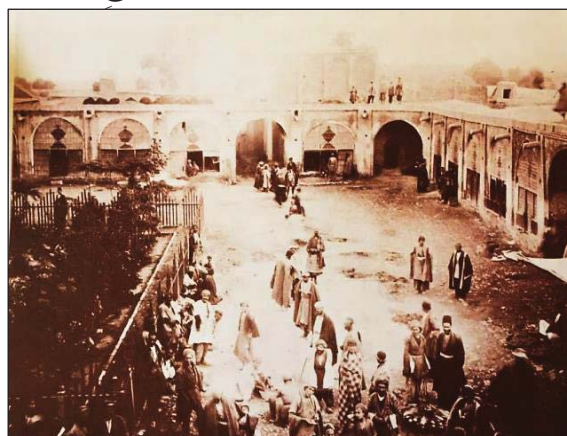
۱ عبداللطیف شوشتری (۱۳۶۳)، *تحفة العالم*، به اهتمام صمد موحد، تهران: طهوری، صص ۱۷۶ - ۱۷۷.

۲ صادق شمس (۱۳۸۱)، *از آسمان تا ریسمان*، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه، ص ۷۱.

می‌توان به کوشک، عمارت و باغ محمدعلی میرزا، زرادخانه، عمارت امیر نظام‌زاده، دیوان‌خانه (تصویر ۶)، آینه‌خانه، برج طویله و طویله‌خانه اشاره کرد.



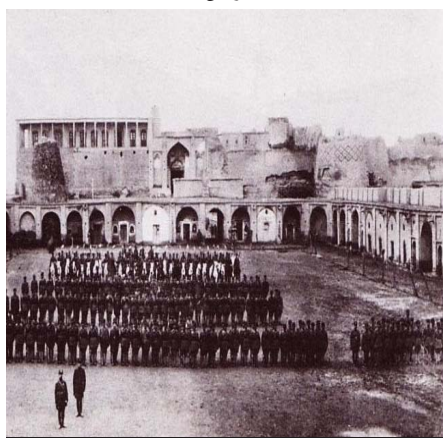
تصویر ۴. میدان مشق یا سربازخانه شهری



تصویر ۳. میدان توپخانه و مجاورت آن با ارگ حکومتی



تصویر ۶. عمارت دیوان‌خانه و مجاورت آن با ارگ



تصویر ۵. میدان مشق یا سربازخانه شهری

دولتشاه علاوه بر احداث بازار و ایجاد بناهای متعدد، نسبت به توسعه ساختار برون‌شهری کرمانشاه نیز توجه داشت؛ چنانکه وی قصد داشت تا در کنار روستای تاق‌بستان نسبت به توسعه بیرونی شهر کرمانشاه اقدام کند.^۱ به گفته رایینو که در زمان احمدشاه قاجار نماینده

۱ چریکف (۱۳۷۹)، سیاحتنامه مسیو چریکف، ترجمه آبکار مسیحی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۶۵.

بانک شاهنشاهی در کرمانشاه بود، گستره شهر کرمانشاه نزدیک به ۶۰۷۷۵ متر مربع بوده است. به نظر وی با پای پیاده و در مدت یک ساعت و پانزده دقیقه می‌توان آن را پیمود. در زمان دولتشاه دیوارهایی به دور شهر کشیده شد که برج‌های آنها دارای سوراخ‌های دیده‌بانی بودند. شهر دارای چهار دروازه به اسامی «دروازه کالسکه» (به سوی جاده تهران)، «دروازه قصاب‌خانه»، «دروازه هودی‌ها» و «دروازه چیا سرخ یا سر قبر آقا» بود که به سوی بغداد گشوده می‌شد؛^۱ اما چریکف^۲ به هفت دروازه شهر (نقشه ۵)، جکسن^۳ به پنج دروازه و در نقشه‌ای که کست و فلاندرن از شهر کرمانشاه تهیه کردند به چهار دروازه^۴ اشاره می‌کنند.



نقشه ۵- نقشه شهر کرمانشاه و نمایش حصار، دروازه‌ها، بازار، ارگ حکومتی، بازار و محله‌های آن در سال ۱۸۵۰م. تهیه شده توسط چریکف. IX میدان توپخانه و VIII میدان مشق و فضای بین این دو میدان را عناصر کاخ حکومتی تشکیل داده است.

۱ باسنت لوئی رابینو (۱۳۹۱)، گزارشی از بازرگانی و اجتماع شهر و ایالت کرمانشاه در سده نوزدهم، ترجمه محمدرضا (فریبرز) همزه‌ای، کرمانشاه: دانشگاه رازی، ص ۳.

۲ چریکف، همان، ص ۲۱۱.

۳ آبراهام جکسن (۱۳۵۲)، سفرنامه جکسن/ ایران در گذشته، ص ۲۷۰.

۴ اوژن فلاندرن (۱۳۲۴)، سفرنامه اوژن فلاندرن به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱م، ترجمه حسین نورصادقی، اصفهان: نقش جهان، ص ۱۳۴.

لازم به ذکر است اختلافاتی که در مورد تعداد و نام دروازه‌ها در میان نویسندگان و جهانگردانی که در دوره قاجار از کرمانشاه بازدید کرده‌اند وجود دارد به این دلیل است که برخی از آن‌ها کوی یا برزنی را «محل» نامیده‌اند که خود جزئی از یک محله بزرگ‌تر است. علاوه بر آن می‌توان به میدان‌های عمده شهری در دوره قاجار که عبارت‌اند از میدان سربازخانه، میدان توپخانه و میدان علاف‌خانه^۱ اشاره کرد.

ج. اس. باکینگهام^۲ و ژاک دومرگان^۳ پس از توصیف برج و بارو و دروازه‌های پنجگانه شهر معتقدند شهر کرمانشاه از هنگامی که محمدعلی میرزا به حکومت آنجا تعیین شده رو به آبادی و توسعه نهاده است؛ حاکم شهر کرمانشاه از قدرتمندترین فرمانروایان ایران بود که بر منطقه پهنای حکومت می‌کرد. وی افسرانی از همه ملیت‌ها در امور نظامی استخدام و در کرمانشاه کارخانه توپ‌سازی دایر کرد که از مس و برنز ریخته‌گری می‌شد. منصور^۴ نیز به نقل از کرپرتر و در گزارشی مشابه به اوضاع مناسب سیاسی و اقتصادی کرمانشاه در دوره دولت‌شاه پرداخته و از بازار و کاخ او نام برده است.

پس از دولت‌شاه و در دوره ناصری، فرزند او به نام امام‌قلی میرزای عمادالدوله (۱۲۶۷-۱۲۹۳ق.)، حاکم شهر شد و کرمانشاه در سایه تجارت با بغداد دوباره رونق اقتصادی پیدا کرد. وی طی ۲۵ سال حکومت متناوب در کرمانشاه اقدام به ساختن ابنیه متعددی نمود.^۵ فترت دوران فقدان محمدعلی میرزای دولت‌شاه تا انتصاب امام‌قلی میرزا موجب شد آنچه را که دولت‌شاه برای آبادانی و مرکزیت این شهر پدید آورده بود نابود گردد. عمادالدوله در زمان ورود ابتدا به نظم امور سرحدی و ترتیب ایلات و قبایل مرزی همت گماشت؛ به این منظور نظام لشکر را سر و سامان بخشید و زمینه رونق شهر را فراهم آورد.^۶ استخوان‌بندی اولیه و ساختار شهری کرمانشاه که توسط دولت‌شاه بنیان نهاده شده بود به وسیله عمادالدوله در روند

۱ محمد مهربار، فرهاد فخار تهرانی و بهرام قدیری (۱۳۷۴)، اسناد شهرهای ایرانی در دوره قاجاریه، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۲۳۱.

2 James Buckingham (1830), *Travels in Assyria, Media, and Persia*, London, pp.16-29.

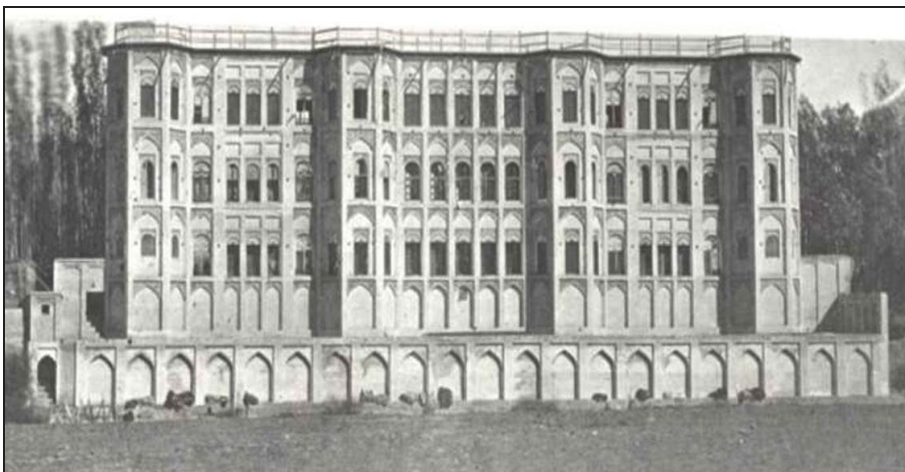
۳ ژاک دومرگان (۱۳۳۹)، *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، ج ۲، تبریز: انتشارات چهر، ص ۱۰۲.

۴ فیروز منصور (۱۳۷۶)، *استعمار بریتانیا و مسئله اروندرود*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۵۱-۵۳.

۵ هرمز بیگلری (۱۳۷۴)، *تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار: نگرشی بر تاریخ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کرمانشاه به انضمام اسناد و مدارک تاریخی*، کرمانشاه: طاق‌بستان، ص ۹۳.

۶ محمد علی سلطانی (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، صص ۳۴۰.

مترقی و در جهت توسعه درونی و بیرونی شهر پیگیری گردید.^۱ تعمیر و توسعه بازار، ایجاد سربازخانه، تأسیس کاروانسرا، احداث عمارت و تیمچه عمادالدوله در کرانه چپ رودخانه قره‌سو، کاخ عمادیه (تصویر ۷) و عمارت مسعودیه در محل سرچشمه تاق‌بستان از اقدامات عمادالدوله است که شهر کرمانشاه را در ردیف شهرهای مهم و آباد ایران قرار داد.^۲



تصویر ۷. کاخ عمادیه عمادالدوله

از سوی دیگر این آبادانی در زمان وی به سبب وجود وقف منجر به ایجاد و توسعه بناهای متعدد دیگری گردید؛ چنانکه در جنب عمارت‌های دوازده گانه پدرش بنای مسجد، مدرسه و موقوفاتی را پی‌افکند که هم‌اکنون به همان نام قدیمی آن (عمادالدوله) باقی مانده است.^۳ دکان‌ها، مستغلات و املاکی را که عمادالدوله جهت حفظ و نگهداری از مسجد، مدرسه و مؤسسات عام‌المنفعه وقف کرده، حدود ۱۶۳ باب مغازه در بازارهای بزازخانه، قیصریه، کاروانسرا؛ و ۲۸ روستا در منطقه چم‌چمال است.^۴ به عبارت دیگر بیشتر موقوفات

۱ اردشیر کشاورز (۱۳۸۲)، *کرمانشاه ما به دورنمای قدیم*، کرمانشاه: طاق‌بستان، ص ۵۵.

۲ محمد حسین جلیلی و دیگران (۱۳۴۷)، *کرمانشاهان باستان (از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری)*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر؛ هرمز بیگلری (۱۳۷۴)، *تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار: نگرشی بر تاریخ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کرمانشاه به انضمام اسناد و مدارک تاریخی*، ص ۹۴.

۳ سلطانی، همان، ص ۱۱۵۹.

۴ اردشیر کشاورز (۱۳۸۲)، *کرمانشاه ما به دورنمای قدیم*، ص ۵۶.

شهر کرمانشاه به دست محمدعلی میرزای دولتشاه و فرزندش عمادالدوله انجام شده است. نقش کرمانشاه در عرصه وقف در دوره قاجار در مقایسه با دیگر استان‌های کشور به قدری بود که مقام پنجم را از حیث درآمد داشت. در این دوره واقفان، املاک و ابنیه زیادی را وقف نموده‌اند که اگر این بناها را از بافت شهری کرمانشاه حذف کنیم، عملاً بنای قابل ذکری باقی نخواهد ماند. تنها حضور مادی موقوفات به شکل مسجد، زیارتگاه، بازار یا کاروانسرا حائز اهمیت نیست، بلکه اهمیت آنها برای شهر بیشتر به خاطر حضور آنها به عنوان نهادهای مهم اجتماعی و اقتصادی است. می‌توان گفت که تنها نقطه مثبت اوضاع وقف در دوره قاجار پس از بهبود در وضعیت کمی وقف، برداشته شدن مالیات از موقوفات بوده است. به عبارت دیگر و بنابر اسناد وقفی موجود، موقوفات شهر کرمانشاه علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های شهری چون مسجد، کاروانسرا، حمام، مدرسه و یا مغازه به‌عنوان ایجادکننده مشاغل نیمه‌وقت و تمام‌وقت اهمیت داشته‌اند.

از نظر مناسبات سیاسی، شهر کرمانشاه در دوره قاجار یک واحد سیاسی خودکفا و خودفرمان نبود، بلکه بخشی از سازمان مدیریتی طبقه حاکم محسوب می‌شد. حاکم که در ارگ حکومتی مستقر بود، از طریق کدخدا بر شهر نظارت، و از طریق محتسب نظم عمومی را سازماندهی می‌کرد. رابطه حکومت با مردم زیر سلطه، رابطه‌ای نزدیک به نظر می‌رسید، زیرا احتمالاً کارگزاران از بین اهالی شهر انتخاب می‌شدند و نهادهای رسمی واسطه بین کدخدایان و حاکم وجود نداشتند.^۱

در مجموع می‌توان گفت اقدامات سیاسی زیر توسط دولتشاه و عمادالدوله باعث تبدیل شدن شهر کرمانشاه به منطقه‌ای کلیدی در ایران دوره قاجار گردید:

- استخدام مستشاران انگلیسی و فرانسوی برای مشاوره‌های نظامی و شهرسازی
- ساخت میدان توپخانه، سربازخانه، مساجد، تکایا، کلیساها، بازارها، حمام‌ها و عمارات حکومتی و مرمت و احیای استحکامات دفاعی شهر و بسیاری بناهای دیگر (نقشه ۶)
- تقویت امنیت شهر از طریق پایه‌گذاری صنایع نظامی و حمایت از صنایع و حرف‌گوناگون به منظور احیا و رشد حیات اقتصادی

۱ وینسنت کاستللو (۱۳۷۷)، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران، تهران: نشر نی، ص ۳۷.



نقشه ۶. موقعیت بازار، مسجد جامع، ارگ حکومتی، میدان اصلی و محله‌ها در بافت قدیم شهر مربوط به سال ۱۹۶۸ م. / ۱۳۳۵ ش.

عوامل مذهبی

بناهای مذهبی یکی از اساسی‌ترین عناصر ساختاری و شکل‌دهنده شهرها هستند. تداوم حضور بناهای مذهبی در شکل شهر، از ظهور اولین شهرها شناخته شده‌اند و تا امروز با حیات شهرها عجین هستند.^۱ در بافت تاریخی شهرهای ایران، مساجد و مراکز مذهبی دیگر مانند تکیه به‌عنوان یک کاربری مهم با عملکردهای متنوع نقشی اساسی در شکل‌دهی به فضاها و سلسله مراتب شهری داشته‌اند. پیوند میان مذهب و شهر در فضاهای مختلفی در شهرهای اسلامی نمود می‌یابد. این پیوند از سویی شامل مراکز مذهبی مانند مساجد و مدارس و از طرفی دیگر شامل علما و فقها و مراجع تقلید، قضات و سایر مقامات روحانی همچون شیخ‌الاسلام و امام

۱ جیمز موریس (۱۳۶۸)، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه رضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ص ۱۴.

جمعه است.^۱ در میان بناهای مذهبی دوره اسلامی، مسجد به‌عنوان مهمترین بنای حوزه فرهنگ اسلامی و فضای معماری در سرزمین‌های اسلامی از بُعد معماری و شهرسازی به شکل گسترده‌ای مورد توجه و بحث بوده و از زاویه برنامه‌ریزی شهری نیز به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در فضای کالبدی - اجتماعی و اقتصادی شهر مد نظر بوده است.^۲

مسجد جامع کرمانشاه که به‌عنوان کهن‌ترین مسجد شهر توسط پدربزرگ ظهیرالملک ساخته شده^۳ از جمله بناهای باشکوه شهر بوده و اغلب نقش فکری و آموزشی مهمی داشته است؛ زیرا روحانیون بلندمرتبه شهر اغلب در این مکان با عالمان «اهل حق» به مناظره می‌پرداختند و این مناظرات در سطح شهر منعکس می‌شد. مسجد جامع کرمانشاه در سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر به‌عنوان مرکزی مذهبی و مهم، نقش محوری را به عهده داشته و مجموعه شهر را در دوره قاجار پوشش می‌داده است. این مسجد طبق الگوی سازماندهی شهرهای بعد از اسلام در ارتباط مستقیم با سبزه میدان، بازار و ارگ حکومتی جانمایی شده است (تصویر ۸ و نقشه ۶).



تصویر ۸. مسجد جامع کرمانشاه

۱ احمد اشرف (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۴، صص ۲۸.
 ۲ Michael Barry (1995), *Colour and Symbolism in Islamic Architecture*, London, Thames and Hudson, p.17; Sheila S Blair and Janathan Bloom (1994), *The Art and Architecture of Islam (1520-1800)*, New Haven and London, Yale University Press, p. 67; Martin Frishman, and Uddin Khan Hassan (1994), *The Mosque*, London, Thames and Hudson, p.126.

۳ باسنت لوئی رابینو (۱۳۹۱)، گزارشی از بازرگانی و اجتماع شهر و ایالت کرمانشاه در سده نوزدهم، ص ۷.

مساجد محله‌ای و مهم دیگری نظیر مسجد عمادالدوله، مسجد حاج شهبازخان، مسجد نواب، مسجد دولتشاه، مسجد حاج آقا رحیم آل‌آقا، مسجد حاج محمد تقی خان اصفهانی، مسجد نظام، مسجد معتمد، مسجد شازده و مسجد بنکدارها وجود داشتند که به گواه سیاحان قرن ۱۹ م، مهم‌ترین و باشکوه‌ترین بناهای شهر و عموماً در سطح محلات مطرح بودند. مهم‌ترین نقش مساجد محله‌ای در توسعه فضایی و ساختاری محلات شهری کرمانشاه در این است که چون مساجد اغلب به‌عنوان مراکز عمومی، فرهنگی و مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از امکانات فرهنگی از قبیل صحن و رواق طراحی گردیده‌اند، از این رو امکان انسجام هرگونه فعالیتی در این مراکز جهت اشاعه فرهنگ دینی و رفاه حال ساکنان محلات شهری فراهم شده است. این امر خود به طراحی محیط سازمان‌دهی شده با کارکردهای متعدد در نظام محله‌ای منتهی شده که از آن به‌عنوان عنصر غالب و هویت‌دهنده محلات در شهر یاد شده است.

علاوه بر مساجد، عامل مهم مذهبی دیگر در توسعه شهر در این دوره، راه ارتباطی عتبات عالیات بود که نقاط مرکزی ایران را به اماکن زیارتی مقدس کربلا و نجف متصل می‌کرد و بر رفت و آمد دائمی قافله‌ها می‌افزود. همچنین کلیه راه‌های زمینی زائران قفقاز، افغانستان و آسیای مرکزی به مکان‌های مقدس کربلا و نجف از شهر کرمانشاه می‌گذشت که با عبور خود منطقه را ثروتمند می‌کرد.^۱ بر اساس نگاه‌های سیاحان این دوره می‌توان به اهمیت راه یاد شده پی برد. اوژن فلاندن،^۲ هوگو گروته،^۳ ادوارد پولاک،^۴ و لوران دوسرسی^۵ رونق شهر کرمانشاه را در رابطه با حرکت کاروان‌های عظیم با بارهای حاوی نعش مردگان (تصویر ۹) می‌دانستند که به کربلا و نجف حمل می‌شدند. در دوره قاجار حد متوسط تعداد افرادی که به‌طور سالانه به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند، یکصد هزار نفر بود.^۶ اوژن اوین^۷ این تعداد را چهارصد هزار نفر ذکر می‌کند. همچنین احتشام‌السلطنه کاربرد از ایران در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۴ق. در بغداد، عنوان کرده که سالانه حدود صد هزار زائر ایرانی، اماکن مقدس

۱ ژاک دومرگان (۱۳۳۹)، *جغرافیای غرب ایران*، ص ۱۱۸.

۲ اوژن فلاندن (۱۳۲۴)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱ میلادی*، ص ۱۹۶.

۳ هوگو گروته (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ص ۸۲.

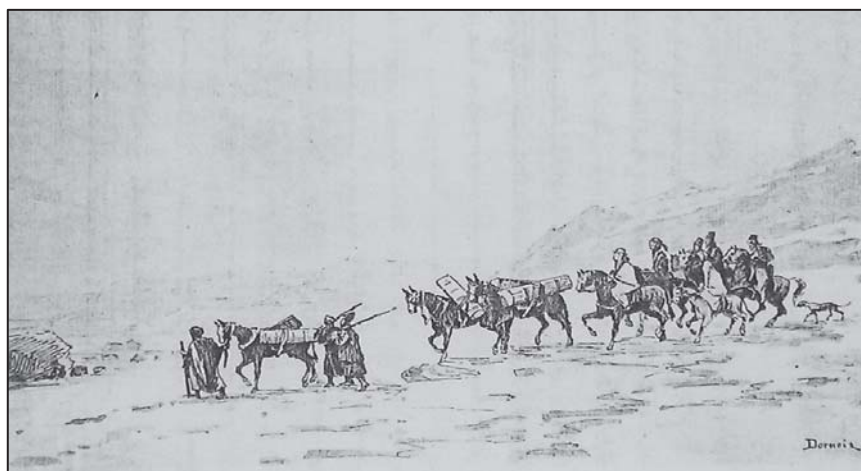
۴ ادوارد پاکوب پولاک (۱۳۶۱)، *سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی، صص ۳۰۹-۳۰۷.

۵ لوران دوسرسی (۱۳۶۳)، *ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ م*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۲۲۶، ۲۲۸.

۶ چالرز عیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار)*، ص ۱۹۷.

۷ اوژن اوین (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷ م؛ ایران و بین‌النهرین*، ص ۳۸۶.

عراق را زیارت می‌کنند.^۱ شاهزادگان و رجال قاجاری حاکم کرمانشاه به‌درستی به اهمیت راه عتبات عالیات برای توسعه اقتصادی و سیاسی کرمانشاه آگاه بودند. آنان می‌دانستند یکی از اصلاحات لازم برای ترقی محصولات و مصنوعات در شهر کرمانشاه، ایجاد شغل و پایان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی شهر و تسهیل در حمل و نقل جاده‌ای است. به همین جهت اعتمادالسلطنه رساله مختصری در مورد راه و مزیت‌های آن و نحوه حفاظت و قوانینی که باید بر راه‌ها حاکم شود، نوشته است. وی به‌درستی معتقد بود یکی از اصلی‌ترین دلایل پیشرفت کشور، توسعه راه است. میرزا تقی خان امیرکبیر نیز یکی از عوامل مهم در رونق تجارت راه، راه‌ها و امنیت آن‌ها می‌دانست و سیاستی اتخاذ کرده بود که مسافری و کالاهای آن‌ها بدون هیچ مزاحمتی در تمام کشور در تردد باشند. سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا، وارد شدن اقتصاد ایران به بازارهای مهم اروپایی، اصلاحات عثمانی که هم‌مرز ایران بود و بازگشت بعضی از محصلان ایرانی از اروپا به ایران باعث شد تا ایرانیان نیز در ایجاد راه‌های تجاری قدم‌هایی هر چند کوتاه بردارند. به عبارتی، می‌توان گفت بیشتر قحطی‌هایی که در مملکت رخ می‌داد به علت نبودن راه و نداشتن وسایل حمل و نقل مناسب بود.



تصویر ۹. حمل اجساد در مسیر راه عتبات عالیات و گذر از کرمانشاه به روایت گروه

بحث

موقعیت مناسب سیاسی، اقتصادی و مذهبی شهر کرمانشاه سبب شد تا این شهر در اوایل دوره

۱ محمود احتشام‌السلطنه (۱۳۶۹)، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، تدوین سید محمد مهدی موسوی، تهران: انتشارات زوار، ص ۳۵۰.

قاجار به عنوان مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر مناطق کردنشین تبدیل شود؛ شهری که در سال ۱۲۱۰ق، حدود ۸-۱۰ هزار خانوار^۱، در سال ۱۲۳۷ق، ۱۲ هزار خانوار^۲، در پایان قرن ۱۹م. حدود ۵۰ هزار خانوار داشت^۳ و در سال ۱۳۲۴ق. از ۲۳۰ هزار جمعیت ساکن ایالت کرمانشاه، بین ۵۰-۸۰ هزار نفر در شهر کرمانشاه می‌زیستند.^۴ در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م. یعنی یک سال قبل از جنگ جهانی اول، جمعیت کردهای ایران حدود ۸۰۰ هزار نفر حدس زده شده است^۵ که حدود ۲۵۰-۴۵۰ هزار نفر در مناطق شمالی زندگی می‌کردند.^۶ همچنین ۳۰ هزار نفر در سنندج و ۵۰ هزار نفر در شهر کرمانشاه سکونت داشتند.^۷

در مجموع در مورد ساختار و جایگاه شهر کرمانشاه در دوره قاجار می‌توان گفت که مرکز شهر از عناصر گوناگون با عملکردهای مختلف سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی برخوردار بوده که در چارچوب یک نظام سامان یافته است. این عناصر با توجه به شرایط زمان، منعکس‌کننده روابط قدرت، مذهب، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع هستند که امروزه برخی از آنها کاملاً از یاد رفته است. عناصر یاد شده عبارت‌اند از قصر حکومتی، میدان مشق، نقاره‌خانه، مسجد جامع و مساجد محله‌ای، بازار، میدان توپخانه، دیوانخانه و کاروانسراهای درون‌شهری. قرارگیری میدان توپخانه و مسجد جامع در هسته مرکزی شهر و محل تلاقی اکثر دروازه‌های ورودی شهر، منجر به رونق و شکل‌گیری کاربری‌های مختلف در این میدان شده و توانسته مدل شهرهای اسلامی در ایران دوره قاجار را به خوبی نمایش دهد. در کنار نقش مهم مسجد جامع، مساجد محله‌ای متعدد شهر کرمانشاه، اهمیت غیر قابل انکاری در شکل‌دهی به مراکز محلات ایفا کرده‌اند. مراکز محلات در دوره قاجار در شهر کرمانشاه در مقیاسی کوچکتر همانند مرکز شهر بودند؛ این مراکز با محوریت مسجد در مرکز محله، شامل حسینیه یا تکیه مرتبط با بازار اصلی شهر و یا یک یا چند مغازه برای برآورد مایحتاج زندگی در جنب و یا مجاور آن، یک حمام و گاهی هم یک مدرسه و یا کاروانسرا بودند. مساجد محله‌ای به‌عنوان سمبل و نشانه شهری و به‌عنوان عنصری اصلی در بیان اعتقادات،

۱ هوگو گروته (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، صص ۹۶-۹۷.

۲ زین‌العابدین شیروانی (۱۳۳۹)، ریاض‌السیاحه، ص ۸۳۹.

۴ دیوید مک‌داول (۱۳۸۶)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم بونسی، تهران: انتشارات پانیز، چ ۳، ص ۱۵۵.

۴ شیروانی، همان، ص ۸۴۰.

۵ چارلز عیسوی (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار)، ص ۵۱.

۶ اوژن اوبن (۱۳۶۲)، ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷م/ ایران و بین‌النهرین، ص ۱۱۲.

۷ چارلز عیسوی، همان، ص ۴۹.

اندیشه و روح حاکم بر محیط، همواره جایی را در قلب محله‌های پنج‌گانه شهر به خود اختصاص داده‌اند؛ جایی که تمام کوچه‌ها، راه‌ها و شریان‌های محیط با حفظ سلسله مراتب به آن‌ها ختم می‌شدند. نقشی که مساجد محله‌ای در مدیریت و توسعه محلات شهری کرمانشاه در دوره قاجار داشتند، می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

۱. کاهش بار مالی نظام اسلام؛ وقتی گروهی از افراد بومی به‌عنوان خدمتگذار در مسجد فعالیت می‌کنند، به دیگران برای نیل به توسعه محلی کمک می‌کنند و از وظیفه مدیریت توسعه محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام جلوگیری می‌کنند.
۲. تشکیل نهادها در راستای مدیریت توسعه محلی
۳. انتخاب مدیران شایسته در لوای هیئت امنای مسجد از میان مردم محلات
۴. برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنان محله

همانطور که گفته شد راه اصلی شرق به غرب (مسیر اصلی تهران به بغداد) که از میان بخش مرکزی (بافت قدیم) می‌گذشت، در شکل‌دهی به بازار به طول ۱/۵ کیلومتر مؤثر بود. بازار با عبور از کنار ارگ حکومتی (فرماندهی پلیس کنونی) و مرکز شهر، مشرف بر میدان (محل کنونی ساختمان بانک ملی) و مسجد جامع اصلی شهر به ورودهای اصلی و مسیرهای خروجی منتهی می‌شد (نقشه ۳ و ۶ و جدول ۱). در این میان کاروانسراها به‌عنوان مهمانسراهایی برای کاروان‌ها، هم‌ردیف با این مسیر، در راستای بازار و به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر آن شکل گرفته بودند. این کاروانسراها به منزله بازارهای سر بسته‌ای عمل می‌کردند که کالاهای با ارزش به آنجا حمل می‌شد و اتاق‌هایی به تجار کرایه داده می‌شد که در آنها به معامله پردازند. در نتیجه کاروانسراها که در داخل یا کنار بازارها احداث می‌شدند، محل ملاقات بازرگانان و نوعی مبادله غیررسمی بودند. مؤسسات فعال در بازار، مجموعه گوناگونی را در بر می‌گرفت که همگی یا برخی از جنبه‌های تولیدی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی را در هم می‌آمیخت. رونق و توسعه یاد شده در این دوره نشان می‌دهد که مواد غذایی به اندازه کافی موجود بوده و از شهر در مقابل حملات خارجی به خوبی دفاع می‌شده و در مقر یا ستاد مرکزی، یک حاکم با کفایت و کارآمد بوده است. حاکمی که با حمایت از تجار و بازرگانان، باعث رونق گردش سکه در بازار می‌گردید و فعالیت‌های تجاری را چه در خود شهر و چه در روستاهای اطراف افزایش می‌داد. در دوره قاجار، کاروان‌های عازم شهرهای عتبات عالیات، منجر به توسعه بازار و ساختارهای شهری مرتبط

با آن شدند؛ به همین علت در سراسر بازار به‌ویژه انتهای آن به سمت غرب (عراق)، اماکن اقامتی و رفاهی از قبیل حمام، مسجد، سرا و کاروانسراهای زیادی ساخته شد و تأثیر عمیقی بر چگونگی و روند شهر داشت. گرداگرد سبزه میدان (میدان مرکزی)، مکان‌هایی مانند مسجد جامع، مقر حاکم شهر (ارگ حکومتی)، پست‌خانه، نقاره‌خانه، گمرک و قهوه‌خانه‌ها، و در وسط میدان، درختان چنار و چند حوض بزرگ قرار داشت. اصلی‌ترین خیابان شهر از میدان به سمت شمال منشعب می‌شد که خیابانی تنگ بود؛ تا جایی که گاری و کالسکه با زحمت از آن عبور می‌کردند. در حوالی بازار توپخانه در سمت جنوب غرب میدان اصلی، یک مرکز فرعی نیز شکل گرفت که محل اسکان زوار بود و در آن حمام‌ها، مساجد، کاروانسراها و خرده‌فروشی‌ها متمرکز بودند.

جدول ۱. عوامل مؤثر در توسعه شهر کرمانشاه در دوره قاجار

عوامل مهم در توسعه شهر	مصادیق/ بناهای مهم	اهمیت/ ویژگی	تعامل با سایر عوامل
اقتصادی	بازار سراسری شهر از غرب به شرق، گمرک و دروازه‌های شهر	گذر کاراوان‌ها از مسیر بازار، استقرار بازرگانان و تجار، قرارگیری کاروانسراهای متعدد در مسیر بازار، رونق اقتصادی و شکل‌گیری اصناف متعدد	همجواری بازار با میدان اصلی شهر، مسجد جامع و مساجد محله‌ای متعدد، و ارگ حکومتی
مذهبی	راه کاروانرو عتبات عالیات، مسجد جامع و مساجد محله‌ای متعدد، نقاره‌خانه، تکایا و حسینیه‌ها	ایجاد انسجام در محلات شهر و یکپارچگی فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی به وسیله مسجد جامع و مساجد محله‌ای، ایجاد بناهای موقوفه‌ای متعدد توسط شاهزادگان قاجاری و افراد خیر	تعامل مسجد جامع و مساجد محله‌ای با بازار، میدان اصلی شهر، بازارهای محله‌ای و ارگ حکومتی، ایجاد مساجد در داخل بازار
سیاسی	ارگ حکومتی، میدان مشق نظامی، دیوان‌خانه، کاخ‌های سلطنتی، میدان توپخانه، حصار و	حاکمیت شاهزادگان قاجاری و مرکزیت سیاسی شهر کرمانشاه در غرب ایران، حمایت از امور نظامی، تجاری و گمرک و استخدام مستشاران خارجی،	همجواری میدان توپخانه و ارگ حکومتی با بازار و مسجد جامع در مرکز بافت قدیم شهر

استحکامات دفاعی شهر	اقدامات عمرانی و مرمتی بناهای متعدد جهت توسعه و امنیت شهر	طبیعی	تأمین آب شهر در کنار استفاده محدود از قنات، ایجاد باغ‌سازی در مجاورت ارگ حکومتی
رودخانه آبشوران، آب و هوای معتدل و حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی	شکل‌گیری بخشی از بافت اصلی شهر اعم از بازار، باغ‌ها و کاخ‌های سلطنتی در کنار رودخانه آبشوران، خودکفایی در تولید میوه و سبزی		

نتیجه‌گیری

تولید فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره قاجار مبتنی بر توانایی‌های بالقوه این شهر بوده است؛ به گونه‌ای که سه عامل مهم مذهب (مسجد جامع و مساجد محله‌ای، راه عتبات عالیات و عبور زوار)، اقتصاد (بازار) و قرارگیری در مسیر شاهراه ارتباطی گمرک غرب کشور) و شاهزادگان قاجاری (اقدامات عمرانی، سیاسی و نظامی محمدعلی میرزا دولت‌شاه و عمادالدوله) در ساختار کالبدی شهر کرمانشاه نقش مؤثر و به‌سزایی داشته‌اند. این عوامل علاوه بر نقش مهمی که در ایجاد ساختارهای یاد شده داشته‌اند، باعث شکل‌گیری حصارهای مرتفع و قطور، هفت دروازه و پنج محله مهم در شهر کرمانشاه شده‌اند. از ویژگی‌های محله‌های قاجاری شهر کرمانشاه حفظ تناسب فضاها و عناصر محله‌ای از نظر حجم و ارتفاع بود. در محله‌ها کمتر خانه‌ای پیدا می‌شد که به لحاظ ارتفاع، از سایر خانه‌ها متمایز باشد؛ این وضعیت سبب می‌شد تا سیمای داخلی محله‌ها، منظره‌ای هماهنگ و متناسب را عرضه کنند. به عبارتی در محله‌های قدیم کرمانشاه، نوعی هماهنگی و همخوانی بین سیمای خارجی انواع فضاهای کالبدی وجود داشت. در ساختار شهر کرمانشاه دوره قاجار، بازار به‌عنوان محور اصلی و مراکز محلات شهر به‌عنوان نقطه‌ای کلیدی، راه‌های ارتباطی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دادند؛ به نحوی که تمامی دسترسی‌های شهر به بازار منتهی می‌گردید. در این زمینه مساجد مهم شهر از جمله مسجد جامع و مساجد محله‌ای عموماً در کنار محورهای اصلی، مراکز محلات و یا مفاصل‌های شهری قرار گرفته‌اند. نتایج دیگر پژوهش نشان می‌دهد که از طرفی مجاورت بازار با ارگ حکومتی، موقعیت بسیار مهم و متمایزی را به بازار در ارتباط با امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌داد و از سوی دیگر مهم‌ترین فضاهای شهری با ماهیتی مذهبی، مدارس، اصناف، حمام‌ها و فضاهای باز اصلی شهر، ارتباط نزدیکی با بازار پیدا می‌کردند. در این میان می‌توان گفت، عامل تجاری (گمرک) و بازار توسعه یافته در مسیر ارتباطی کاروان‌های تجارته و زیارتی، بیشتر از عوامل

دیگر در توسعه شهر کرمانشاه در دوره قاجار مؤثر بوده‌اند. در کنار عوامل یاد شده وجود بسترهای جغرافیایی و شرایط زیست‌محیطی مساعد، موقعیت سوق‌الجیشی مناسب (قرار گرفتن در دشت‌های میان‌کوهی زاگرس و کوه‌هایی که گرداگرد آن شکل گرفته‌اند) و واقع شدن در مسیر رودخانه آبشوران و شاخه‌های آن در شکل‌گیری و توسعه شهر کرمانشاه در دوره قاجار و ثبات این مرکز جمعیتی بی تأثیر نبوده‌اند.

منابع و مآخذ

- ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌خردادبه، ابوالقاسم عبیداله بن عبدالله خراسانی (۱۳۷۰)، *مسالك و الممالک*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: نشر نو.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، *اعلاق‌النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۶۹)، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، تدوین سید محمد مهدی موسوی، تهران: انتشارات زوار، چ ۱.
- ادیب‌الممالک، عبدالعلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه ادیب‌الممالک به عتبات*، تصحیح مسعود گلزاری، تهران: دادجو.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، ش ۴، صص ۷-۴۹.
- ---- (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران: اطلاعات.
- اشمیت، اریخ (۱۳۷۹)، *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*، ترجمه آرمان شیشه‌گر، تهران: سمت.
- اصطخری، ابوالقاسم ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳)، *مسالك الممالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۳)، *مآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷م؛ ایران و بین‌النهرین*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اولیویه، مسیو (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تهران: اطلاعات.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۰)، «بررسی اجمالی از روند رشد و توسعه شهر کرمانشاه»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، س ۱۶، ش ۵۸، صص ۴۱-۴۷.
- ایراندوست، کیومرث و آرمان بهمنی اورامانی (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، دوره ۲، ش ۵، صص ۵-۱۵.
- بایندر، هنری (۱۳۷۰)، *سفرنامه هنری بایندر*، ترجمه کرامت‌اله افسر، تهران: فرهنگسرا.

- بلوشر، وپیرت (۱۳۶۳)، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- بیگلری، هرمز (۱۳۷۴)، تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار: نگرشی بر تاریخ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کرمانشاه به انضمام اسناد و مدارک تاریخی، کرمانشاه: طاق‌بستان.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- جکسن، آبراهام (۱۳۵۲)، سفرنامه جکسن: ایران در گذشته، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- جلیلی، محمد حسین و دیگران (۱۳۴۷)، کرمانشاهان باستان (از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری)، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- چریکف (۱۳۷۹)، سیاحتنامه مسیو چریکف، ترجمه آبکار مسیحی، تهران: امیرکبیر.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۷)، از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسامیان، فرخ (۱۳۷۷)، شهرنشینی مرحله گذار: در شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه.
- خدیوی، سیامک (۱۳۷۹)، «معرفی مختصر بافت تاریخی کرمانشاه»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، ارگ بم، (کرمان): سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص ۵۸۱-۵۵۳.
- دگرنی، جان. د. (۱۳۷۵)، «دگرگونی تهران در اواخر قرن نوزدهم»، مجله معماری و شهرسازی، ترجمه کامران صفامنش، آکسفورد، شماره ۶ و ۷، صص ۱۰۹-۱۲۱.
- دوروشوار، ژولین (۱۳۷۸)، خاطرات سفر ایران، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
- دوسرسی، لوران (۱۳۶۳)، ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹م، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دومرگان، ژاک (۱۳۳۹)، جغرافیای غرب ایران، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، ج ۲، تبریز: انتشارات چهر.
- رایینو، باسنت لوئی (۱۳۹۱)، گزارشی از بازرگانی و اجتماع شهر و ایالت کرمانشاه در سده نوزدهم، ترجمه محمد رضا (فریبرز) همزه‌ای، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- رجبی، آزیتا (۱۳۸۵)، ریخت‌شناسی بازار، تهران: آگاه.
- سپهر، محمد تقی لسان‌الملک (۱۳۷۷)، ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج ۱، تهران: اساطیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۰)، ایلات و طوایف کرمانشاهان، تهران: سها.
- ----- (۱۳۷۱)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تهران: سها.
- شمس، صادق (۱۳۸۱)، از آسمان تا ریزمان، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه، ج ۱.
- شوشتری، عبداللطیف (۱۳۶۳)، تحفة العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: طهوری.
- شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۳۹)، ریاض‌السیاحه، به تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران: سعدی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- غیرت، عبدالکریم (۱۳۳۸)، کلیات و آثار غیرت کرمانشاهی، مقدمه و حواشی محمد سعید غیرت، تهران: فردوسی.

- فریدالملک، محمدعلی (۱۳۵۴)، *خاطرات فرید*، تهران: زوار.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، تهران: گوتنبرگ.
- فلاندن، اوژن (۱۳۲۴)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱ میلادی*، ترجمه حسین نورصادقی، اصفهان: نقش جهان.
- قزوینی، ابوعبداله زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی، تهران: امیرکبیر.
- کاستلو، وینسنت (۱۳۷۷)، *شهرنشینی در خاورمیانه*، ترجمه پرویز پیران، تهران: نشر نی.
- کشاورز، اردشیر (۱۳۸۲)، *کرمانشاه ما به دورنمای قدیم*، کرمانشاه: طاق‌بستان.
- گروه، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروه*، ترجمه مجید جلیوند، تهران: نشر نی.
- مستوفی قزوینی، حمداله بن ابی‌بکر (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به سعی و اهتمام گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، ابوعبداله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مک‌داول، دیوید (۱۳۸۶)، *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات پانیز، چ ۳.
- منصور، فیروز (۱۳۷۶)، *استعمار بریتانیا و مسئله اروندرود*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چ ۱.
- مورس، جیمز (۱۳۶۸)، *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، ترجمه رضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مهربار، محمد، فرهاد فخار تهرانی و بهرام قدیری (۱۳۷۴)، *اسناد شهرهای ایرانی در دوره قاجاریه*، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ناصرالدین‌شاه (۱۳۵۵)، *سفر به کربلا و نجف*، تهران: سنایی.
- ویلز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.
- Barry, Michael (1995), *Colour and Symbolism in Islamic Architecture*, London, Thames and Hudson.
 - Blair, Sheila S., and Bloom, Janathan (1994), *The Art and Architecture of Islam (1520-1800)*, New Haven and London, Yale University Press.
 - Buckingham, James, (1830), *Travels in Assyria, Media, and Persia*, Londen.
 - Clark, J and Clark, B. (1969), *Kermanshah: A Provicinal City in Iran*, University of Durham DEDT, Of Geography Research paper series 10, Durham.
 - Frishman, Martin and Hassan – Uddin Khan (1994), *The Mosque*, London, Thames and Hudson.